

بررسی تطبیقی درون‌مایه «مرگ» و «معاد» در شعر فریدون مشیری و جان

دان

۱. ناصر ملکی* ، ۲. پویا غلامعلی پور**

۱. دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵)

چکیده

فلاسفه، ادبا و اهل مذهب از دیرباز دیدگاه‌های گوناگونی نسبت به مسئله «مرگ» و «زندگی بعد از مرگ» داشته‌اند. فریدون مشیری، شاعر معاصر ایرانی، در شعری با عنوان «چرا از مرگ می‌ترسید؟» که اقتباسی از غزل جان دان، شاعر متافیزیک انگلیسی است، اشتیاقی خاص به موضوع مرگ ابراز نموده‌است و مرگ را «خوابی شیرین» قلمداد کرده‌است. جان دان نیز در آثار مختلف خود، به‌ویژه در غزلی به نام «مغرور نباش مرگ»، با نگرشی مثبت به مرگ نگریسته‌است و به نوعی مرگ را از عرش ابهت به زیر کشیده، همچون «خوابی شیرین» پنداشته‌است. وی با استفاده از پارادوکس، خواهان مرگ مرگ شده‌است. این مقاله با بررسی تطبیقی شعر فریدون مشیری و جان دان، و با تکیه بر نظریه ارتباط مستقیم اثرها و موضوع اقتباس منتقد فرانسوی دنیاز دوریزین (Durişin) درصدد خواهد بود شباهت‌ها و تفاوت‌های اشعار این دو شاعر را ارزیابی نماید و دریابد که فریدون مشیری در توصیف مرگ، تا چه اندازه‌ای پیرو اسلوب شاعر متافیزیک بوده‌است و در اقتباس از جان دان، تا چه اندازه دیدگاه خود و اجتماع خود را وارد، و در مضمون شعر دخل و تصرف کرده‌است؟ نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که پارادوکس موجود در شعر دان از ناآرامی روح و روان او سرچشمه می‌گیرد، ولی درباره مشیری می‌توان تناقض‌گویی او را مرتبط با سنن ادبی گذشته و شرایط نابسامان سیاسی و اجتماعی ایران آن زمان دانست.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، اقتباس، فریدون مشیری، جان دان، مرگ.

* E-mail: n.maleki@razi.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: pouyagap@yahoo.com